الاخلاق النفیسه

امینی، فضل الله

زیبائی و رسائی عکس‏ها مساله دیگری است که به آن اشاره خواهد شد.از این نواحی‏ هم گاهی خیلی سریع گذشته‏اند یعنی مثلا از آذربایجان فقط یک عکس جالب از روستای‏ کندوان و یکی-دو عکس از مغان آمده است.به برخی نواحی توجه بیشتری شده است‏ مثل نواحی ترکمن‏نشین و این قطعا به خاطر علائق و زمینهء کار عکاس است.

عکس‏ها زیبا است،هرکدام تابلوئی است دیدنی و اغلب تأمل‏کردنی.طبیعی است‏ برای کسی که با ایران آشنائی کمتری دارد گیرا است و افسانه‏ای،زیبائیهایی در آنها هست که آسان به چشم نمی‏آید.جستجو،تلاش،فکر و گزینش لازم دارد.

برخی از عکس‏ها،تصویری عمومی از محیط به دست می‏دهد،یک روستا در دامنه‏ های پرشیب شمال و فرورفته در مه.روستای کوچکی در محاصرهء برف،سر به جیب‏ فروبرده،در خویش و بیگانه.وقتی عکاس امکان بیشتری به یک محیط داده عکسها جوانب بسیاری از زندگی روستایی را دربر می‏گیرد.مثلا در نواحی ترکمن‏نشین‏ که به آن اشاره شد،جوانب بسیاری که گویای زیورها،لباس،شکل درون خانه و حتی‏ معیشت است به چشم می‏آید.در نواحی دیگر نگاه،تند و گذرا است اما در عین حال‏ گویا و نافذ.

زیبائی و گویائی عکس‏ها،شخص را ناچار می‏سازد بگوید که ناشر در ترتیب‏ دادن چنین مجموعه‏ای محق بوده است اما روشن است که اگر این کار با مطالعهء قبلی و با طرحی مشخص و برقرار کردن تناسبی بین همهء نواحی روستائی ایران انجام می‏شد، شاید مجموعه‏ای رساتر شکل می‏گرفت.

توفیق دیدار عکاس در ایام نوروز دست داد و معلوم شد که مجموعهء حاضر کوزه‏ای از آب دریا است و دریا در پیش و احتمالا کارهایی با ناشران دیگر و زمینه‏هایی دیگر.

\*\*\* فضل الله امینی

(اهواز)

الاعلاق النفیسه

تالیف احمد بن عمر بن رسته معروف به ابن رسته-ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو تهران،انتشارات امیر کبیر،1365

دربارهء ابو علی احمد بن عمر بن رسته نویسندهء ایرانی الاصل سدهء سوم هجری اطلاع‏ چندانی جز آنچه مترجم محترم در مقدمهء کتاب به نقل از لغت‏نامه دهخدا-و بدون‏ ذکر مأخذ-آورده‏اند در دست نیست.

کتاب دارای مباحث مفیدی پیرامون کرهء زمین و تقسیمات جغرافیایی آن،فاصلهء زمین از ماه و ستارگان،شهرها و روستاها و رودهای ایران،میزان خراج ولایات، مسیر راههای کهن(چون بغداد-ری و ری-نیشابور یا هرات-سیستان)نام‏ روستاهای مسیر و فاصلهء منازل و نیز شرح جالبی دربارهء خانهء کعبه است.

آقای قره چانلو دربارهء سوابق چاپ کتاب نوشته‏اند:«نخستین خاورشناسی که‏ به تصحیح کتاب ابن رسته پرداخته جوینبول است که در سال 1861 م.بخشی از آنرا در لیدن به چاپ رسانید و این قسمت همان است که بعدها در تاریخ 1937 م.مورد استفادهء کاستون وییت قرار گرفت و مجددا همین خاورشناس در سال 1883 م.کتاب را با زیرنویس کامل در لیدن به چاپ رسانید.سپس خوولسون در سال 1869 م.اطلاعات‏ مربوط به روس و صقالبه را از کتاب ابن رسته استخراج کرده به چاپ رسانید.سرانجام‏ دخویه خاورشناس معروف با نوشتن مقدمه‏ای بر کتاب مزبور آن را جزء انتشارات گیب‏ به سال 1892 م.در لیدن به چاپ رسانید.(نک:فرهنگ خاورشناسان،سحاب،ص 157- 156).این کتاب در تاریخ 1955 م.توسط گاستون وییت ترجمه شد و تعلیقهء مفصلی‏ بدان اضافه گردید و در 319 صفحه در انجمن جغرافیایی مصر به چاپ رسید..»

با این مقدمه معلوم نیست آیا کتاب دوباره به وسیلهء«ویت»چاپ شده یا فقط اشتباهی در ضبط تاریخ روی داده است و اگر دوبار چاپ شده آیا یک‏بار به زبان اصلی و بار دیگر به زبان فرانسوی چاپ شده است؟

به هرحال حسب مقدمهء کتاب،چاپ فرانسوی«ویت»هم در ترجمه و هم انتقال‏ منابع اعلام و نیز در قرائت برخی نامها مورد استفادهء مترجم محترم بوده است.

کاری که دربارهء اعلام توسط وییت شده است کاری بس بزرگ و ستودنی است‏ به‏ویژه آنکه گاه برای یک نام چندین منبع معرفی شده است.اما خوانندهء عادی که‏ دسترسی به کتابخانه‏ای بزرگ با کتابهای کم‏وبیش کمیاب ندارد از ذکر این مراجع‏ چه سودی می‏برد؟

آیا بهتر نبود اطلاعات مربوط به اعلام کتاب در پانویس صفحات و یا پایان کتاب‏ آورده می‏شد؟

شاید نیز یافتن و معرفی مراجع مربوط به اعلام کار«ویت»باشد و مترجم محترم‏ تنها به ترجمه آنها بسنده کرده‏اند!

به هرحال در موردپانویسها این خواننده است که باید حدس بزند کدام تعلیقه‏ مربوط به مترجم و کدام مربوط به«ویت»است.

کتاب از نظر نشانه‏گذاری تابع نظم متداول نیست و کاربرد دلبخواه نشانه‏ها خواننده را دچار سرگشتگی می‏کند.

مثال،در صفحهء 189 در بحث دروازه‏های اصفهان نوشته شده:«...شهر دارای‏ چهار دروازه است.اول دروازهء خور«دروازهء خراسان»...الخ آیا عبارت«دروازهء خراسان»برداشت مترجم فارسی کتاب است یا نوشتهء نویسندهء اصلی است؟

گاه در بین دو ابرو در متن کتاب واژه‏ای معنی شده است،مثل طیلسان در صفحهء 226 که«نوعی قبا»معنی شده و نان نازک در صفحهء 227 که به«لواش»معنی شده‏ است.کتاب هم‏چنین منبع خوبی برای شناختن واحدهای سنجش سده‏های اولیه پس از هجرت است.برخی از واحدهای سنجش درازا و سطح که در کتاب به کار رفته‏اند از اینقرار است:میل-قصبه-ذراع-فرسخ-جریب دهقانی-قفیز.

مترجم محترم در مورد برخی از این آحاد توضیح داده و برخی را بدون توضیح‏ باقی گذارده‏اند.

از آقایان دکتر قره چانلو و دکتر آذرنوش بخاطر ترجمه‏ی این کتاب خواندنی‏ باید تشکر کرد.

\*\*\* جواد محبت‏ (کرمانشاه)

تذکرهء ریاض العارفین

تالیف:آفتاب رالکهنوی-تصحیح:سید حسام الدین راشدی-اسلام‏آباد-از انتشارات‏ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان(1361) [جلد دوم:(حرف ع تا یاء)از شمارهء 1136 لغایت 3155]

\*\*\* تذکرهء ریاض العارفین که به گفتهء مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان هدف‏ اصلی انتشار آن:[اطلاعات سودمندی در مورد بسیاری از حکماء و عرفا-علمای‏ دین و دیگر طبقات معاریف نیز در آن می‏توان یافت‏]با مقدمهء مبسوط عارف نوشاهی- انتشار یافته است.

این بنده-جلد اول تذکره را نیافتم.آنچه در جلد دوم گرد آمده،نمونهء کوشش‏ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان-در راه شناساندن گوشه‏هایی از ادپ پارسی‏ است و از این دیدگاه-شایان توجه و تقدیر.

چه خوب می‏شد اگر در چاپهای بعدی-تجدیدنظری از نظر تصحیح ابیات ناقص‏ و حذف پاره‏ای از سروده‏ها-که از نظر مضمون-گستاخیهای ناخوشایند لفظی را شامل و رسوخ بی‏آزرمی را عامل است.به عمل می‏آمد-تا کار از هر جهت،کامل‏ می‏نمود.

به‏عنوان نمونه،توجه ناشر را به صفحهء 245-246[گویندهء شماره 1907] معطوف می‏دارد.